

سیاست‌ورزی به شیوه رجایی

۲۰ مرداد ۱۳۹۴ ساعت ۱۷:۵۱

ساده‌زیستی شهید رجایی یک ژست سیاسی نبود، بلکه منشی بود که بر اساس آموزه‌های قرآنی و مذهبی در وی تجلی یافته بود. این امر موجب جذابیت شخصی وی شد. شهید رجایی یک مبارز انقلابی و متعهد بود و بر همین اساس عمل می‌کرد. حتی رویکرد وی به رهبری و التزامش به ولایت فقیه بر همین اساس صورت می‌گرفت

شهید محمدعلی رجایی از جمله شخصیت‌های سیاسی است که به مثابه‌ی الگویی برای دولتمردان معرفی شده است. وی به عنوان یکی از رؤسای جمهور محبوب جمهوری اسلامی ایران، توانست بخش وسیعی از جامعه‌ی ایران را به خود جذب نماید. آنچه موجبات محبوبیت وی را فراهم ساخت، مردمی بودن و ساده‌زیستی‌اش بود.

همین مختصات ویژه‌ی وی موجب شد تا در برخی از مقاطع تاریخی و سیاسی، شبیه‌سازی و هم‌ذات‌پنداری‌هایی با شهید رجایی صورت گیرد. این نوشتار با توجه به این امر و تأکید بر گفتار، کردار، روش و منش شهید رجایی، سعی در صراحت بخشیدن به مرزهای شخصیتی این بزرگوار دارد.

مروری بر زندگی‌نامه‌ی سیاسی شهید

شهید محمدعلی رجایی از مبارزین انقلابی، عضو نهضت آزادی و از سازمان‌دهندگان هیئت مؤتلفه بود. وی قبل از انقلاب، برای پرورش افرادی که بتوانند نبردی مسلحانه را اداره نمایند، به اعزام داوطلبانی به جبهه‌ی فلسطین دست زد. به همین جهت، در سال ۱۳۵۰، به خارج از کشور سفر کرد. ابتدا به فرانسه و ترکیه رفت و از آنجا عازم سوریه شد. همچنین وی به موازات فعالیت‌های سیاسی خود، به تدریس در مدارس کمال و رفاه و همکاری با بنیاد رفاه و تعاون اسلامی مشغول بود. او در دوران مبارزه‌ی

در سال ۱۳۵۷ آزاد شد و همراه با برخی از همکارانش، تلاش گسترده‌ای را در جهت بسیج و سازمان‌دهی مبارزات مخفی معلمان مسلمان آغاز کرد و موفق به ایجاد «انجمن اسلامی معلمان» گردید. با پیروزی انقلاب اسلامی و در سال ۱۳۵۸، مسئولیت وزارت آموزش و پرورش را به عهده گرفت و در زمان وزارت خود، موفق به دولتی کردن کلیه مدارس شد. وی همچنین به عنوان نماینده‌ی مردم تهران، در اولین دوره‌ی مجلس شورای اسلامی انتخاب شد و پس از چندی، به عنوان اولین نخست‌وزیر جمهوری اسلامی ایران، به مجلس معرفی و با رأی قاطع به نخست‌وزیری انتخاب گردید. با عزل بنی‌صدر از ریاست جمهوری، شهید رجایی با رأی اکثریت مردم، رئیس‌جمهور ایران شد؛ [\[۱\]](#) ریاستی که اندکی بعد، در هشتم شهریورماه ۱۳۶۰، در انفجار دفتر نخست‌وزیری با شهادت پایان پذیرفت.

رجایی در آئینه‌ی نظر

اندیشه‌ی شهید رجایی در محیطی مذهبی جان گرفت و رشد کرد. به شهادت نزدیکان و آشنایانش و همین‌طور منش و رفتارش، قرآن و عترت منبع الهام وی بود. وی در راستای تکلیف‌گرایی متعهدانه‌اش و نه برای آموختن به دیگران، به مطالعه‌ی دینی می‌پرداخت [\[۲\]](#) و با الهام از همین مبانی مذهبی و سیره و سخن حضرت علی (علیه السلام)، عقل را در عدم تسلیم به خوشی‌های فناپذیر و زودگذر دنیا تعریف می‌کرد. وی اعتقاد داشت مشغولیت به دنیا، موجب هدر رفتن فرصت‌های خوب و عالی و غفلت از انجام کارهای خداپسندانه می‌گردد و محرومیت از دستیابی به لذت‌های معنوی و جاویدان را با خود به همراه دارد. افزون بر این، همین آموزه‌های قرآنی درک وی را از انقلاب اسلامی ایران شکل داد.

وی انقلاب را انقلابی تفسیر می‌کرد که قرار بود معنویت و مذهب را محقق گرداند. همین دیدگاه و آموزه‌های مذهبی و انقلابی در نظرگاه وی نسبت به «رهبری» نمود یافته بود. از دیدگاه شهید رجایی، مسئله‌ی رهبری بنا بر ضرورت انقلاب، باید به خوبی درک شود. شهید رجایی «رهبری» را نه مختص و در قالب شخص امام، یعنی در حوزه‌ی خاص، بلکه در موضوعی عام‌تر و در چارچوب یک «مرجع تقلید» تحلیل و ارزیابی می‌کرد و پیرامون این امر می‌گفت: «مرجع تقلید با مصدق فرق می‌کند؛ با لنین فرق

رجایی با نگاهی جهان‌شمول به اسلام و مذهب می‌نگریست و در این بازه‌ی گسترده، کلیه‌ی حرکات روزانه‌ی ایرانی مسلمان را مسئله‌ای شرعی می‌شمرد و با تأکید بر این امر بود که اعتقاد داشت:

«چه کسی این مسئله‌ی شرعی را مشخص می‌کند؟ مرجع تقلید. پیوند را احساس کنید. پیوند، پیوند اعتقادی است، نه پیوند سیاسی. پیوند سیاسی یک بُعد رهبری است.» [۴]

از دیدگاه شهید رجایی، مسئله‌ی رهبری بنا بر ضرورت انقلاب، باید به خوبی درک شود. شهید رجایی «رهبری» را نه مختص و در قالب شخص امام، یعنی در حوزه‌ی خاص، بلکه در موضوعی عام‌تر و در چارچوب یک «مرجع تقلید» تحلیل و ارزیابی می‌کرد و پیرامون این امر می‌گفت: «مرجع تقلید با مصدق فرق می‌کند؛ با لنین فرق می‌کند...»

بدین ترتیب، وی به رهبری جمهوری اسلامی بُعدی اعتقادی و شرعی می‌بخشید. در این قالبِ اندیشه‌ای بود که شهید رجایی رهبری امام خمینی (رحمت الله علیه) را بی‌همتا و تلاش دنیا را در عیب‌جویی از امام شکست‌خورده می‌دانست و امام را شایسته‌ترین رهبر می‌نامید. از نظر وی، این «رهبر بزرگ را خداوند برای ما فرستاده است. ما امام را در رابطه‌ی صد درصد معنوی پذیرفتیم؛ یعنی به معنای مرجع تقلید.» [۵]

در همین بازه‌ی نظری است که شهید رجایی اصطلاح خط امامی را این‌گونه تعریف می‌کند؛ یعنی کاری را انجام دهیم که نظر رهبری بر آن است، ولو خلاف نظر خودمان باشد. «همین مفهوم التزام عملی ماست، ولو بی‌آبرو شویم.» [۶]

رجایی؛ تعامل نظر و عمل

سیره‌ی عملی و رفتار شهید رجایی، آیینی تمام‌نمای اندیشه و اعتقاد وی بود؛ چنان که به هر چیزی که آموخته بود عمل می‌کرد. بررسی رفتار خانوادگی، کردار سیاسی و منش مبارزاتی شهید، گواهی است بر نمود رابطه‌ی قدرتمند علم و عمل در شهید رجایی. تأکید و بهای بسیاری که شهید رجایی برای عمل قائل بود برگرفته از تأثیر قرآن بود. روحیه‌ی مذهبی شهید رجایی در حساسیت وی نسبت به مسائل اطرافش هویدا بود؛ چنان که در دوره‌ی دانشجویی، با هدف جسارت و جرئت بخشیدن به دانشجویان حرکت می‌کرد؛ هرچند به این وسیله می‌خواست به حاکمان وقت نیز هشدار و تذکر دهد. در همین راستا نیز در زمان تحصیل در دانش‌سرا، نامه‌ای برای بزرگان جامعه نوشت و نسبت به وضعیت فرهنگی و مذهبی جاری آن زمان اعتراض کرد.^[۱۷]

وی که خود در تنگنای معیشت کودکی، آبرومندی مادر را لمس کرده بود،^[۱۸] اهمیتی به مسائل مادی در زندگی شخصی نمی‌داد. ^[۱۹] با چنین دیدگاهی بود که وی نه تنها برای تأمین مایحتاج فرزندان از معیار شرع و عرف تجاوز نمی‌کرد، حتی اغلب به حداقل آن هم تن نمی‌داد.^[۲۰] اهمیت به مسائل شرعی در نگاه وی چنان بود که حتی از تدریس در مدارس دولتی در زمان حکومت پهلوی اجتناب می‌ورزید؛ چرا که وی دستگاه حاکم را مصداق دستگاه ظلم می‌دانست و حقوق گرفتن از ظالم را درست نمی‌پنداشت.^[۲۱] این سخت‌گیری اقتصادی که شهید برای خویش قائل شده بود، در مقابل روحیه‌ی سخاوتمندانه‌اش قرار داشت که به رغم مشکلات شدید اقتصادی، زبانزد همه بود و برای دیگران کمال مراعات را داشت.^[۲۲]

این رفتار شهید رجایی از باور وی به الزام رؤسا و دولتمردان جمهوری اسلامی به مثابه‌ی «کارگزار نظام اسلامی» در جهت «اسوه‌ی شایسته» بودن برای مردم، سرچشمه می‌گرفت. الگویی که از نظر وی با سختی دادن به خود، زهد، ریاضت کشیدن برای دین و تنزل دادن زندگی در حد عادی‌ترین و محروم‌ترین افراد محقق می‌گردید.^[۲۳]

منش شخصی شهید هنگامی هم که به پست وزارت و حتی ریاست جمهوری رسید، تغییری نکرد، بلکه تشدید نیز شد. به استناد خاطرات نزدیکانش، وی در هنگام ریاست جمهوری‌اش گاه خرید خانه را انجام میداد تا «بی‌واسطه در جریان تلاش مردم، وضع

خرید و فروش، نگاه و احساس فروشنده نسبت به کارکرد و سود و زیانش» قرار گیرد و افزون بر این، با انجام این نوع کارهای شخصی، وظیفه‌اش را فراموش نکند. [۱۴]

دلسوزی شهید رجایی نسبت به بیت‌المال و ترس از عذاب الهی، که با جان‌ش آمیخته بود، از مواردی است که در خاطرات آشنایان، هم‌زمان و همکارانش تکرار شده است. برای نمونه، وی در برابر پیشنهاد یکی از محافظین ریاست‌جمهوری به سوار کردن پسرش بر یکی از موتورهای نهاد ریاست‌جمهوری، پاسخ می‌دهد: مگر ارث پدرم است که در اختیارش بگذارم! [۱۵]

در همین خاطرات نقل است که یک بار از وی پرسیدند چرا هیچ وقت بارانی‌اش را از تن در نمی‌آورد؟ در حالی که مردم تصور می‌کنند این رفتار وی تظاهر به تواضع است یا نمایش صرف مردمی بودن است. اما شهید رجایی چنین پاسخ می‌دهد: «چنین چیزی نمی‌بینم، خیلی دلم می‌خواست که این طوری باشم، اما هنوز شرمنده‌ام.» [۱۶]

از نظر شهید، ساده‌زیستی با ماهیت انقلاب ایران همخوان بود؛ چنان که وی اگر با منشی غیر از این از سوی برخی مقامات مواجه می‌شد، اظهار تعجب می‌کرد که چگونه پس از انقلاب اسلامی، تغییر موضع نداده‌اند. وی در برابر سفره‌ی رنگینی که استانداری خراسان در مشهد برایش گسترده، اعتراض کرد و با تأکید بر ماهیت انقلاب اسلامی، گفت دنیا خواست مردم ایران را از انقلاب اسلامی می‌داند: «این چه عملی است که شما دارید می‌کنید.» شهید رجایی سفره‌ی الوان غذا را با حزب‌اللهی بودن متناقض می‌دانست: «آیا معنی حزب‌اللهی این است؟ این طوری ما باید نمونه باشیم؟» [۱۷]

حتی یکی از مشاورانش نیز نقل می‌کند که روزی از وی پرسیدم وضع فعلی‌تان (ریاست‌جمهوری) با دوران زندگی در زندان چه فرقی کرده است؟ شهید رجایی پاسخ دادند: قرار نبود فرقی کند. اگر وضع من فرق می‌کرد، جای تعجب و تأسف داشت. [۱۸]

همچنین امام خمینی (رحمت الله علیه) نیز به عدم تأثیر ریاست‌جمهوری در روحیه‌ی آن شهید گواهی داد. امام پیرامون شهید

رجایی بر این باور بود که به واسطه‌ی قدرت نفسش، این او بود که بر ریاست تأثیر گذارد و در مقابل از ریاست تأثیر نگرفت. [۱۹]

از نظر شهید، ساده‌زیستی با ماهیت انقلاب ایران همخوان بود؛ چنان که وی اگر با منشی غیر از این از سوی برخی مقامات مواجه می‌شد، اظهار تعجب میکرد که چگونه پس از انقلاب اسلامی، تغییر موضع نداده‌اند. وی در برابر سفره‌ی رنگینی که استانداری خراسان در مشهد برایش گسترده، اعتراض کرد و با تأکید بر ماهیت انقلاب اسلامی، گفت دنیا خواست مردم ایران را از انقلاب اسلامی میداند: «این چه عملی است که شما دارید می‌کنید.»

علاوه بر ساده‌زیستی وی، مرحوم کیومرث صابری فومنی، توانایی شهید رجایی را نه تنها در جذب افراد، بلکه در نگهداری از حلقه‌ی جذبه‌ی خویش می‌داند؛ یعنی سعی در حفظ دامنه‌ی جذابیت فردی خود و حفظ رابطه. [۲۰] همین خصلت ساده‌زیستی و عدم تظاهر وی است که موجب می‌شود تا شهید رجایی محبوبیتش را از دست ندهد و در اذهان عمومی به رئیس‌جمهوری مردمی بدل گردد. آنچه بر میزان محبوبیت وی می‌افزود منطقی بودن و متانت خاص وی بود که همچنین از سوی همسر و دوستانش مورد تأکید است. [۲۱] و [۲۲]

به نقل از همسر شهید آمده است که شهید رجایی اگر از رخدادی دلگیر می‌شد، تنها مدتی سکوت می‌کرد و حرف نمی‌زد تا تنش‌ها کاهش یابد. [۲۳] علاوه بر این، به استناد گواهان امر، اگر ضعفی در او دیده می‌شد، منطقی برخورد می‌کرد [۲۴] و حتی در مقابل شخصیت‌های سیاسی چون بنی‌صدر که در جبهه‌ی متقابل او قرار داشت، زبان به بدگویی نگشود [۲۵] و از مسیر اخلاقی و ارزشی‌اش خارج نشد.

افزون بر این موارد، برخی نیز بر این باور هستند که شهید رجایی یک سیاست‌مدار به معنای عرف سیاسی نبود، بلکه یک انسان حقیقت‌گوی مسلمان و متعهد بود. کیومرث صابری فومنی در این باره، به پاسخ شهید رجایی در مقابل تبریک فرانسوا میتران، به مناسب ریاست‌جمهوری رجایی، اشاره می‌کند. گویا شهید در پاسخ تبریک فرانسوا میتران، از عدم اعتقاد خویش به عرف دیپلماسی سخن می‌گوید و می‌افزاید از سویی به عراق میراژ می‌دهید و از سویی به من به عنوان ریاست‌جمهور ایران مورد تهاجم عراق تبریک می‌گویید. این دو کار شما یکی درست و دیگری نادرست است. [۲۶]

در ارزیابی این سخنان باید از حلول انقلاب در شخصیت‌های سیاسی آن زمان ایران سخن گفت. ماهیت انقلاب اسلامی با نظم بین‌الملل و عرف دیپلماسی ناهمخوان و ناسازگار بود؛ چرا که دومی را زاییده‌ی اولی می‌پنداشت. بنابراین باید شهید رجایی را مصداق یک مبارز انقلابی و متعهد دانست که در برابر نظم موجود از نظمی بدیل، انقلابی و اسلامی پشتیبانی می‌کند.

فرجام سخن

بررسی مبانی نظری و سیره‌ی عملی شهید رجایی نشان از تعامل آگاهانه‌ی نظر و عمل در رفتار و منش وی دارد. ساده‌زیستی، قناعت، متانت و دیگر خصایل شهید، از آموزه‌های اعتقادی وی و ملهم از قرآن بود. انقلاب اسلامی ایران در چنین بستر و زمینه‌ای برای شهید رجایی معنا شد و انقلاب تقاطعی از زندگی وی شد تا آموزه‌های دینی‌اش را به منصفی ظهور برساند. با توجه به چنین امری بود که رجایی از معلمی مسلمان به یک مبارز انقلابی بدل شد. در واقع محور اعتقادی وی با انقلاب تشدید شد و عرصه برای عمل‌گرایی وی بر اساس آموزه و مبانی دینی‌اش گسترده شد. همچنین استنادات و ادعای شاهدین نشان می‌دهد ساده‌زیستی شهید رجایی یک ژست سیاسی و تظاهرگرایی نبود، بلکه منشی بود که بر اساس آموزه‌های قرآنی و مذهبی در وی تجلی یافته بود. این امر موجب جذابیت شخصی وی شد و مردم را به وی متمایل ساخت. شهید رجایی یک مبارز انقلابی و متعهد بود و بر همین اساس عمل می‌کرد. حتی رویکرد وی به رهبری و التزامش به ولایت فقیه بر همین اساس صورت می‌گرفت. (*).

پی‌نوشت‌ها:

[\[۱\]](#) برگرفته از کتاب زندگی‌نامه‌ی سیاسی شهید رجایی، سجاد راعی گولجه، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۲، صفحات

متعدد.

[\[۲\]](#) عاتقه رجایی، زوایای معنوی یک رئیس‌جمهور، گلستان قرآن، ش ۱۵۶، سال ششم، ص ۵.

[\[۳\]](#) اکبر مقدسی، گلبرگ، مرداد، ۱۳۸۰، ش ۱۸، ص ۴۸.

[\[۴\]](#) همان.

[\[۵\]](#) روزنامه‌ی جمهوری اسلامی، سال دوم، ۱۳ دی ۵۹.

[\[۶\]](#) غلامعلی رجایی، سیره‌ی شهید رجایی، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۵، ص ۷۲۸.

[\[۷\]](#) عاتقه رجایی، زوایای معنوی یک رئیس‌جمهور، گلستان قرآن، ش ۱۵۶، سال ششم، ص ۵.

[\[۸\]](#) اسوه‌ی صبر و استقامت، به کوشش هیئت تحریریه‌ی واحد فرهنگی بنیاد شهید انقلاب اسلامی، زیر نظر مرتضی محمود، تهران، واحد فرهنگی بنیاد شهید انقلاب اسلامی، ۱۳۶۲، ج ۱، ص ۴.

[\[۹\]](#) گفت‌وگو با خانم عاتقه صدیقی، پیام زن، ش ۴۲، ص ۶.

[\[۱۰\]](#) حسن عسکری‌راد، خاطراتی از شهیدرجایی، تهران، نشر علمی و فرهنگی، ۱۳۷۴، ص ۱۱۰ تا ۱۱۲.

[\[۱۱\]](#) گفت‌وگو با خانم عاتقه صدیقی، همان.

[\[۱۲\]](#) همان.

[\[۱۳\]](#) پای صحبت همسر رئیس جمهور شهید محمدعلی رجایی، مجله‌ی شاهد، ش ۲۱۴، ص ۱۷ و ۱۸.

[\[۱۴\]](#) اسوه‌ی صبر و استقامت، ج ۲، ص ۱۰۰۹ و ۱۰۱۵ و خاطراتی از شهیدرجایی، ص ۵۱، ۱۱۶ و ۱۲۶.

[\[۱۵\]](#) دیدار با همسر شهیدرجایی (خاطرات و خطرات)، روزنامه‌ی همشهری، ۹ شهریور ۱۳۷۴، ش ۷۶۹.

[\[۱۶\]](#) مجله‌ی شاهد، ش ۲۱۴، ص ۲۰.

[\[۱۷\]](#)عجب رئیس جمهوری!!! / نگاهی به گوشه‌ای از زندگی رئیس جمهور محبوب شهیدرجایی، امید انقلاب، شهریور ۱۳۸۸، ش ۴۰۳، ص ۱۶.

[\[۱۸\]](#)اسوهی صبر و استقامت، ج ۲، ص ۹۸۹، ۹۹۰، ۱۰۲۳ و خاطراتی از شهیدرجایی، ص ۱۳۱.

[\[۱۹\]](#)امام خمینی، صحیفه‌ی امام، ج ۲۰، تهران، مؤسسه‌ی تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۸، ص ۱۲۴.

[\[۲۰\]](#)کیومرث صابری فومنی، آقای رجایی قهر نکن، یاران، یادمان شهدای دولت جا.ا، ش ۱۰، شهریور ۱۳۸۵، ص ۲۲.

[\[۲۱\]](#)همان.

[\[۲۲\]](#)همسر شهیدرجایی، شاهد بانوان، ش ۱۷، ص ۶.

[\[۲۳\]](#)همان.

[\[۲۴\]](#) کیومرث صابری فومنی، آقای رجایی قهر نکن، ص ۲۲ و همسر شهید رجایی، شاهد بانوان، ص ۶.

[\[۲۵\]](#) مصاحبه با یکی از هم‌سنگران شهید رجایی، تربیت، ش اول، سال دوم، مهر ۱۳۶۵، ص ۲۸.

[\[۲۶\]](#) کیومرث صابری فومنی، آقای رجایی قهر نکن، ص ۲۲.

منبع: برهان

آدرس مطلب :

<https://www.cafetarikh.com/news/۳۱۲۰۴/رجایی-شیوه-ورزی-سیاست>